

ایران

مساحت: ۱۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع
 جمعیت: ۸۰ میلیون نفر
 زبان: فارسی
 پایتخت: تهران

تلفن: ۰۰۳۵۱۲۱۳۱۲۴۰
 پست: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
 اینترنت: .ir
 روزنامه: ایران، دانه گویانه، ایزو ۹۰۰۱

حضر‌ت محمد (ص): هرکس مؤمنی را ببازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا ببازارد، بی شک، خداوند عوجل را آزرده است و هرکس خدا را ببازارد، در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است.

نگاره



نیم‌ا شاه میری

خشکسالی حیات آفریان را تهدید می‌کند



عصر ۹ مرداد خبر درگذشت دکتر جلال ستاری، پژوهشگر و اسطوره‌شناس منتشر شد. خبری تلخ برای دوستداران حوزه فرهنگ و هنر. از سوی دیگر همان شب خبر مصدومیت ارشا اقدسی، بازیگر و بدلکار سینما و تلویزیون کشورمان در جریان همکاری با یک فیلم سینمایی در لبنان هم اعلام شد. این دو خبر باعث شد که هنرمندان از این موضوع بنویسند.

وداع با مرد اسطوره‌ها

درگذشت جلال ستاری باعث شد که صفحات زیادی در فضای مجازی به این نویسنده و پژوهشگر اختصاص یابد. مجید قیصری، کبهد تاراج، کوروش سلیمانی در مقام هنرمند و نشرچشمه، شمس‌ثالث، صفحه تئاتر بازاها و ناشرین دیگر این ضایعه را تسلیت گفتند. عباس مخبر مترجم و اسطوره شناس درباره او نوشت: «زنده یاد ستاری در کنار استاد بهار به نسل اول اسطوره شناسان ایرانی تعلق دارد. او در شمار آن گروه از اسطوره شناسان بود که اسطوره‌ها را صرفاً پدیده‌ای متعلق به گذشته نمی‌دانست و درباره اسطوره‌ها نوبین غرب، اسطوره‌های بورژوازی، اسطوره‌های فکری در ایران معاصر و اسطوره تهران می‌نوشت. پژوهنده‌ای با انگیزه و پرکاری‌بود که در همکاری کردن اسطوره

و گسترش افق‌های دید اسطوره پژوهان ایرانی نقشی بسزا داشت. ستاری ادبیات، تئاتر و موسیقی را خوب می‌شناخت و پژوهش‌های او در اسطوره شناسی که برداشتی وسیع در این حوزه‌ها استوار است می‌تواند راهنما و الگویی برای پژوهندگان بعدی باشد.» علی دهباشی نویسنده سردبیر مجله بخارا هم ضمن تسلیت اعلام کرد: «مجله بخارا شماره ۴۱ (فروردین- اردیبهشت ۱۳۸۴) را به جشن‌نامه‌ای برای ایشان اختصاص داد.» یلدا ابتهاج هم در صفحه شخصی خود نوشت: «دیگر افسانه شد. تنها بود میان آن همه چهره‌هایی که به خانه ما رفت و آمد داشتند که مرا مجذوب خود می‌کرد. آرامشی در عمق به همراه دانایی خیره‌کننده و توجهش به روانشناسی. اولین مواجهه و تأثیر در دوران نوجوانی که کنجگوشی جهان‌های ناپیدا و بی‌نهایت را از طریق این انسان‌ها ممکن می‌کرد. آرام و ساکت و با لبخندی بر لب، جایی ویژه در جهان من حضور دارند. دریخ که دیگر دیداری نیست...». ته‌مینه میلانی هم با تسلیت به‌لا اله تقیان همسر ایشان نوشت: «افتخار آشنایی با این انسان بزرگ را داشتم و افتخار دادن کتاب شهرزاد مرا پیش از چاپ مطالعه فرمودند و مرا تشویق به چاپ آن کردند. ایشان یک استثنای در اسطوره شناسی بودند.» رؤیا افشار، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر هم از افتخار شاکردی او نوشت: «معلمی بزرگ را از دست دادم، دوستی دانا. بیش آنچه از زندگی دارم مدیون توست...تا بد خودم، وام‌دار شما هستم استاد.» و رسول صدرعاملی کارگردان هم درباره او نوشت: «لطفاً در موردش بخوانید و بدانید و شناسیدش، منحصر به فرد و یگانه بود و واقعاً سخت است بتوان برای او همتایی تصور کرد. جلال ستاری اسطوره‌های ایرانی را به ما شناساند و حرفش این بود که: سلاح ایرانیان فرهنگ است و اندیشه.»

چهره‌ها



محسن قرایی، فیلمنامه‌نویس و کارگردان در صفحه اینستاگرام با توجه به اینکه در برخی از اخبار از او به‌عنوان یکی از نویسندگان سریال «شبکه مخفی زنان» یاد شده نوشت: «در این

سریال، نویسنده این کار تنها آقای رحمانیان هستند و نگارش کار برعهده ایشان است و من تنها صاحب این سریال هستم.»



الهام کردا بازیگر هم‌خبر از اجرا و پیش فروش بلیت نمایش «در انتظار گودو» به کارگردانی امیررضا کوهستانی براساس نمایشنامه ساموئل بکت داده است: «در انتظار گودو» ۱۴ مرداد ماه در فضای باز پردیس تئاتر باغ کتاب تهران روی

آرزوی سلامتی برای بدلکار

ارشا اقدسی، بازیگر و بدلکار سینما و تلویزیون برای همکاری با یک فیلم سینمایی خارجی در لبنان بود که روز چهارشنبه ۶ مرداد ماه هنگام صحنه چپ کردن ماشین، دچار حادثه‌ای جدی شد و به بیمارستان منتقل شد. این بازیگر و بدلکار متولد سال ۱۳۶۱ است که در پروژه‌های گوناگون سینمایی، تلویزیونی و تئاتر حضور داشته است. نوید

محمدزاده بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر با انتشار عکس اقدسی برای او آرزوی سلامتی کرد. شقایق فراهانی هم با انتشار عکس خندان او در حالی که دستش را به علامت پیروزی بالا برده نوشت: «برای سلامتی بدلکار مطرح سینمای ایران که در سانحه، آسیب جدی دیده است، دعا کنیم.»

قادر آشنا: برای واکنسیناسیون هنرمندان تئاتر تلاش می‌کنیم

ما مدت‌هاست که در مرکز هنرهای نمایشی پیگیر واکنسینه کردن هنرمندان تئاتر هستیم و بخصوص آقای صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به جد این موضوع را دنبال می‌کنند. پیشنهاد ما به صندوق اعتباری هنر این است که گروه‌های نمایشی که اثری روی صحنه دارند و همین‌طور گروه‌هایی که تا شهریور ماه در نوبت اجرا هستند، همراه با سالن‌داران در اولویت واکنسیناسیون قرار بگیرند به این معنی که هم این گروه‌ها و هم کارکنان سالن‌ها خارج از بحث سنی، در اولویت باشند و بتوانند زودتر واکنسین بزنند. ما این پیشنهاد را قبلاً مطرح کرده‌ایم و همچنان پیگیر آن هستیم و این پیشنهاد برای تمام سالن‌های فعال، فارغ از دولتی یا خصوصی، در حال پیگیری است. روند صدور مجوز ادامه دارد. تنها یک بند به آن اضافه شده مبنی بر اینکه گروه‌های نمایشی ملزم به در نظر گرفتن شرایط کرونایی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی هستند و این گونه نیست که صدور مجوزها متوقف شده باشد.

بخشی از گفته‌های مدیر کل هنرهای نمایشی با اینستا



در سوگ جلال ستاری

نامی که در فرهنگ ایران ماندگار خواهد شد

جلال ستاری از معدود اسطوره‌شناسان ایران بود. اگر جایگاه اساطیر در شناخت فرهنگ‌مان بدرستی مورد توجه قرار بگیرد آن وقت اهمیت و ارزش فعالیت‌های علمی زنده یاد جلال ستاری بیشتر آشکار خواهد شد. اساطیر ویژگی و شاخصه‌های فرهنگی را به مراتب رستار و سلیس‌تر از تاریخ بیان می‌کنند؛ البته این بدان معنا نیست که ما مستغنی از تاریخ هستیم بلکه نشان دهنده جایگاه و اهمیت اساطیر است. زبان اساطیر اما زبان رمزی است و رمزگشایی آن کار آسانی نیست. اینجاست که نقش اسطوره‌شناسان نمایان می‌شود. از این‌رو جایگاه زنده‌یاد جلال ستاری جایگاه ممتازی است. ایشان از جمله معدود اسطوره‌شناسان بسیار پرکار نیز بودند. در طول حیات علمی کارهای فراوانی انجام دادند، جست‌ه و گریخته کار نکردند بلکه ثبات داشتند و هیچ وقت تحقیق و کار علمی در این حوزه را ترک نکردند مگر در سال‌های اخیر که دچار بیماری جدی شدند. از این جهت هم جایگاه مرحوم ستاری ممتاز است. خیلی باید صبر کنیم که ستاری دیگری پیدا شود که چنین عمیق در این حوزه فعالیت کند و ثبات قدم داشته باشد. چه بسا حجم کارهایی که ایشان روی آن سرمایه‌گذاری کرد و نتوانست به سرانجام برساند بیش از کارهایی باشد که به نتیجه رسیده است. به نقل از شاگردان ایشان شنیده‌ام که حجم بالایی از فیش‌های تحقیقی درباره اساطیر ایرانی تهیه کرده‌بود اما چه می‌شود کرد که عمر بشر کوتاه است و این حوزه به لحاظ وسعت و عمق یک اقیانوس است. هرکسی در طول عمر بهره‌ای می‌برد و بهره‌ای می‌رساند. جلال ستاری از این جهت عمر

پربرکتی داشت. با وجود کارهای زیادی که دلش می‌خواست انجام دهد و ناتمام ماند کارهایی که به سرانجام رساند بسیار ارزشمند و به یاد ماندنی است. در فرهنگ ما نام ایشان، نام بلندی خواهد ماند.



سید محمد بېشتی فرهنگ‌شناس



محمدعلی سجادی فیلمساز

خبر درگذشت استاد جلال ستاری، اسطوره شناس و مترجم و پژوهشگر معاصر دریغی است. کتاب‌ها و مقالات ایشان برای من که دوستدار اسطوره و راونشناسی هستم بسیار آموختنی بود. بی‌تردید نگاه ایشان به اسطوره و آثار اسطوره‌ای از منظر روانشناختی غنیمتی بود. دو، سه سال پیش در پی گفت‌وگو با دوست اسطوره‌شناس و ادیبم دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور خواستار دیدار ایشان شدم. اما حال‌شان گویا مساعد نبود و از این‌رو دیدار استاد ستاری رفتند و اما

حاصل کارشان بی‌گمان میراث ماندگاری است. یادشان سبز.

نغمه‌های «ماه پشت ابر» شنیدنی شد

«ماه پشت ابر» از آن دسته آثاری است که می‌بردت به دنیای خیال درون. نغمه‌های قدیمی و جاودانه که گاه نام سازنده و سراینده آن ناشناخته (لادری) و گاه شخصیت مهم موسیقایی مثل امیرجاهد و عارف قزوینی و زرین پیچه است. مقدمه تصانیف از نوید دهقان است و تنظیم‌ها از علیرضا گرانفر که زوج هنری مناسبی بواسطه درک صحیح از نغمات و صدای خوانندگان دریافت شده و خروجی دلنشینی بر مسند نوع موسیقی اصیل ایرانی ارائه کرده‌یده است. انتخاب دو خواننده از یک نسل اما یکی دارای شهرت و آوازه و دیگری کمتر شناخته شده اما با صدایی متین و گرم و نرم برگرفته از آموزه‌های مَدَرسِی نشان از آن دارد که نوید دهقان در چنین مجموعه‌ای از درک و درایت وسیعی در تنوع فضای شنیداری تالاول دارد و توانسته (سالار عقیلی) را با مصطفی جلالی‌پور یک تاسه گرداند و چند اثر را نه فقط درهم پوشانی و همخوانی بلکه در لحظه لحظه ملودی‌ها با توجه به حجم وسعت خواننده رهسپار به جاده‌ای پرآوردورخت که چهچهه پرندگان سرازیر است هر یک را به تنهایی هم در این مسیر سبز به گوش هوش یکسان برسانند!...

نوید دهقان از سرمایه‌های گمانچه نوازی و آهنگسازی در عرصه موسیقی دستگاهی است که نخستین آلبوم رسمی اش را با صدای سینا سرلک «راه و شاه» ابتدای دهه ۸۰ منتشر کرد. دقت نظرش



جلالی‌پور در عین تعهد به مکتب قدیم و جدید آوازخوانی ایرانی که گاه رگه‌هایی از مکتب اسماعیل مهرتاش و گاه ردیف آوازی منتسب به اصفهان با حنجره منعطف و تیخ‌ر در ادوات تحریری چنان آوا و نواپی به گوش می‌رساند که گوش‌های خسته و خفته را جلا می‌دهد و بیدار کننده است. آهنگ‌ها و شعرهایی از امیرجاهد نصرالله زرین پیچه و عارف قزوینی در کنار شعر حضرت سعدی و وحید دستگردی با دوخوانی این دو آوازخوان خوش‌خوان روزگار اتفاق نیکویی است که خیلی اندک تا کنون شاهدش بوده‌ایم در یک مجموعه... قطعات «جان من»، «موسم گل»، «نازنین»، «به گردش فروردین» و «مارش خون» در کنار آواز و تحریرها شنیدنی‌تر شده با تنظیم‌های مناسب گوش خانواده ایرانی.

- ماه پشت ابر**
- کاری از: نوید دهقان و علیرضا گرانفر**
- خواننده سالار عقیلی و مصطفی جلالی پور**
- سال: ۱۴۰۰**
- ناشر: ترم داوودی کهن**

عکس نوشت

غار «قوری قلا» یا **«قوری قلعه»**، بزرگ‌ترین غار آبی خاورمیانه با قدمتی ۶۵ میلیون ساله و از جاذبه‌های توریستی استان کرمانشاه است. نکته جالب توجه درباره این غار شکفت انگیز مرتبط با دمای آن است که در همه فصل‌ها ثابت می‌ماند. اما ویژگی جالب دیگر آن درباره عمق حوضچه‌های کف غار است که در عمیق‌ترین حالت خودشان به ۱۴ متری می‌رسند. عکس‌های این غار را در خبرگزاری تسنیم ببینید.

...

من دریافته‌ام که دوست داشته‌شدن هیچ و اما دوست داشتن همه چیز است. بیش از آن بر این باورم که آنچه هستی ما را بر معنی و شادمانه می‌سازد چیزی جز احساسات و عاطفه ما نیست. پس آن کس نیکبخت است که بتواند عشق بورزد.



شادمه‌نی های کوچک، هرمان هسه پریسا رضایی، نشر مروارید

تئاتر می‌تواند آموزگار جامعه باشد

تئاتر در معنای واقعی خود و در قامت یک‌سویه فرهنگی و هنری همیشه آموزگار انسان‌ها بوده و خواهد بود و بشر هیچ‌وقت نمی‌تواند بی‌نیاز از فرهنگ رشد کند و حرکت اجتماعی داشته باشد. این فصل و بخش از فرهنگ، همواره به بشر کمک کرده تا طبیعت را به نفع خود شکل دهد و

با کمک و درک چنین سویه فرهنگی مسائل و مصایب اجتماعی دنیای مدرن را دریابد و از آن راه‌حل بیرون بیاورد. در واقع تئاتر، پاسخگوی نیازها و خلاهای انسان امروزی است؛ چه این نیاز یک مسأله خانوادگی باشد و چه در مقیاس کلان‌تر یک نیاز و مسأله اجتماعی. تئاتر برای تمامی پرسش‌های بشر پاسخی دارد که آن را در قاب و قالب‌های هنری ارائه می‌کند و می‌تواند نجات‌بخش جامعه در بحران‌ها و صدمه‌های پیش آمده باشد. با این‌همه این تأثیرگذاری شرط و شرایطی دارد که باید به آن توجه و بسترهایش را مهیا کرد. تئاتر برای یک جامعه پیشرفته و فہیم، یک امر جاری، ساری و همیشگی و لاینقطع است. یعنی در جا و شرایطی می‌توانیم بگوییم تئاتر جواب‌گوست و می‌تواند به نقش خود عمل کند که آن را به‌صورت یک خوراک فرهنگی درآورده باشیم و مدام این خوراک را در جامعه در دسترس قرار داده باشیم. در شرایطی که تئاتر و هنر نمایش، به یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی تبدیل نشده باشد و گاهی باری به هرجهت به آن شود، تأثیر و انتظاری هم از آن نمی‌توان توقع داشت. به‌گفته‌ای دیگر در جامعه‌ای می‌توانیم چنین بستری را در طولانی‌مدت فراهم کنیم که خوراک‌های فکری مختلف با ذائقه‌های مختلف تولید و اجرا شوند و برای هر نوع از این ژانرها و نمونه‌ها هم تماشاجی خاص وجود داشته باشد و زمانی که این بسترسازی اجتماعی به صورت فرهنگ درآمد، آن وقت تئاتر می‌تواند نقش ذاتی و بنیادین خود را ایفا کند و در این بالندگی رشد است که تئاتر می‌تواند در دل هر بحرانی بدرخشد و مرهمی بر دل جامعه باشد و فراتر از این به جامعه کمک کند، راه‌حل ارائه دهد و آگاهی بخشی داشته باشد. در کشور ما سال‌هاست که تئاتر وجود دارد و سال‌هاست که راجع به آن حرف می‌زنیم و تلاش می‌کنیم انواعش را برای ذائقه‌های مختلف تولید کنیم تا به صورت یک عادت دربیاید؛ مثل روزنامه خواندن و کتاب خواندن و... اما به دلایل مختلف از جمله همین منقطع بودن جریان اجراها نتوانسته‌ایم مرزه واقعی و کامل تئاتر به عنوان یک جریان فرهنگی مؤثر را حس کنیم.

نکته مهم دیگر اینکه تئاتر در کشور ما، به آن معنا که ما فکر می‌کنیم مردمی نیست. مردمی به آن معنا که حیاتش را به صورت مستمر و با ضربان منظم از خود مردم بگیرد و مثلاً با بلیت‌فروشی به حیاتش ادامه بدهد. در کشورهای پیشرفته دنیا، نهادهای مختلف اول حمایت می‌کنند تا انواع تئاتر تولید و اجرا شود و بعد این قطار روی ریل خودش می‌افتد و هر سلیقه‌ای مخاطب خاص خود را پیدا می‌کند و پیش می‌رود. پس باید برای پیدا کردن حلقه مفقوده تأثیرگذاری تئاتر، به صورت مصداقی، برگردیم و علت‌العلل را مثلاً در آموزش‌های مدرسه جست‌وجو کنیم و ببینیم تئاتر به صورت جدی چقدر در مدارس ما وجود دارد. طبیعی است وقتی کودک و نوجوانی در مدرسه و از همان ابتدا به صورت جدی با تئاتر آشنا و آمیخته شود در بزرگسالی هم به اهمیت آن پی می‌برد و هم با آن آمیخته می‌شود و این آمیختگی نسل به نسل ادامه پیدا خواهد کرد؛ همه اینها در کنار هم می‌تواند هنر نمایش را به نقش اصلی‌شان یعنی آموزگار بودن نزدیک کند. آموزگاری که می‌تواند بشر را بیاموزد و همراهی کند.

